

نقش سازمان‌های حفاظتی در رصد و واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح

اسحاق نیک‌زاد^۱

از صفحه ۱۳۹ تا صفحه ۱۵۹

چکیده

زمینه و هدف: امنیت اقتصادی یکی از نگرانی‌های مهم سازمان‌های حفاظتی در نیروهای مسلح است که نیازمند ویژگی‌هایی مانند: اعتماد و مشارکت اجتماعی است که در این میان مهم‌ترین مسئله، ایجاد فضای مناسب برای گفت و شنود، نهادینه کردن آن، توجه به جریان سرمایه، رصد اطلاعات رقابتی و واپایش اطلاعات راهبردی در برنامه‌ریزی‌های توسعه نیروهای مسلح است. تا زمانی که چنین فضایی برای واپایش فرایندهای اقتصادی توسط سازمان‌های حفاظتی برای ایفای نقش شناختی و نظارتی آن فراهم نشود نمی‌توان انتظار موفقیت در واپایش فرایندهای اقتصادی را داشت. **هدف:** هدف اصلی این مقاله، بررسی نقش سازمان‌های حفاظتی در رصد و واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح و کمک به توسعه پایدار کشور است. چارچوب نظری و مدل تحلیلی با استفاده از نظریه نظریه پردازان عرصه امنیت و توسعه اقتصادی نگاشته شده است که در آن به شناسایی گستره مفهومی توسعه در ابعاد مختلف سازمان اطلاعاتی، رابطه امنیت با توسعه و شناخت نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای اقتصادی پرداخته شده است.

روش‌شناسی: روش این پژوهش «اسنادی» در حوزه روش‌شناسی «فراتحلیلی» است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که سازمان‌های حفاظتی می‌توانند با استفاده از نقش‌های شناختی و نظارتی در واپایش فرایندهای اقتصادی، سیاستگذاری‌های توسعه، به رشد و توسعه نیروهای مسلح کمک نمایند؛ زیرا آنچه در انقلاب اسلامی مقبولیت و مشروعیت را توسط سازمان‌های حفاظتی تسهیل می‌کنند، عبارتند از: توسعه و گسترش مشارکت واقعی مردم (کارکنان) در فرایندهای اقتصادی، توانایی‌های سازمان‌های حفاظتی در ارتباط دادن ارزش‌ها به عملکردهای اقتصادی، اداری و... .

کلید واژه‌ها: امنیت، توسعه پایدار، سازمان‌های حفاظتی، فرایندهای اقتصادی، واپایش.

۱. کارشناس ارشد ژئومورفولوژی و برنامه‌ریزی (رایان‌نامه: ifhaghnekzad@gmail.com).

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در معرض شدیدترین اقدام‌های خصمانه در طول تاریخ خود قرار گرفته است. تحریم‌های همه‌جانبه، خرابکاری صنعتی، ترور دانشمندان و نخبگان فناوری، دامن زدن و تشدید مهاجرت نخبگان، ایجاد فضای یأس و ناامیدی و سیاه‌نمایی وضعیت کشور و اقدام‌های دیگر از جمله نمونه‌های این تهاجم همه‌جانبه است؛ اما آنچه موج جدید کنش‌های نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران را از اقدام‌های پیشین آنها متمایز کرده، تمرکز آنان بر زیرساخت‌های اقتصادی کشور است. نظام سلطه در طول بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی به این نتیجه رسیده که پشتوانه مردمی نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین متغیر در تداوم ثبات آن با وجود فشارهای ظالمانه بین‌المللی است؛ بنابراین به دنبال آن است تا با تضعیف توان اقتصادی نظام و در نتیجه ایجاد شکاف میان انتظارات مردم و توان اقتصادی نظام در برآوردن توقع‌های مردمی، از پشتوانه مردمی جمهوری اسلامی ایران بکاهد. در راستای این هدف، نظام سلطه طی دهه اخیر و در یک فرایند گام به گام، تلاش کرده تمامی زیرساخت‌های اقتصادی ایران را از دور فعالیت‌های مؤثر اقتصادی خارج کند.

در اکثر جوامع، نیروهای مسلح اعم از: نظامی یا انتظامی به‌عنوان یکی از اهرم‌ها و اصول ایجاد و توسعه امنیت در جامعه به‌شمار می‌آیند. در ایران هم یکی از شاخص‌های شکل‌گیری امنیت در ابعاد نرم و سخت، نیروهای مسلح می‌باشند؛ سازمان‌های حفاظتی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به‌عنوان یک نیروی انتظام‌بخش نقش مؤثری در حفاظت، جمع‌آوری و نظارت بر اطلاعات اقتصادی، ایجاد و توسعه اقتصادی و تولید امنیت نرم و سخت در سطح جامعه و نیروهای مسلح بر عهده دارد.

به‌رغم رهیافت‌های مختلف در خصوص توسعه، تمام نظریه‌پردازان برآنند که توسعه، مفهومی با ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را به یکی از این سه بعد تقلیل داد. بدین ترتیب می‌توان گفت توسعه، ایجاد دگرگونی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با هدف فراهم آوردن شرایطی است که در آن افراد بیشتری امکان دستیابی به ظرفیت‌های

انسانی خود را داشته باشند. با این حال بُعد اقتصادی توسعه، معمولاً بیش از دیگر ابعاد مورد توجه قرار گرفته و برای بیشتر مردم، توسعه با مفاهیمی اقتصادی مانند کاهش فقر، افزایش درآمد، صنعتی شدن و رشد اقتصادی همراه است (Kuper and Kuper, 1996: 212).

بیان مسئله: بنابر نظر «آنتونی هال»^۱ در گذشته تنها رشد اقتصادی یک جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت و منظور از آن، افزایش تولید ناخالص ملی آن جامعه بود اما توسعه، مفهومی فراتر از رشد اقتصادی دارد. توسعه، فرایندی است که در آن یک‌سری تحولات و تغییرهای بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به‌وقوع می‌پیوندد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که همراه با توسعه، رشد اقتصادی حاصل شود اما رشد اقتصادی ممکن است توسعه به‌بار نیاورد (روزبهبانی، ۱۳۷۱: ۱۲). در هدف‌های راهبردهای توسعه، اعتقاد به لزوم مشارکت فعال سازمان‌های حفاظتی در ارائه مشاوره برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مورد تأکید است. ماهیت دولتی و غیرخصوصی نظام اقتصادی ایران نیز زمینه مناسبی را برای تأثیرگذاری دشمنان در شناسایی نیازهای اقتصادی، فقر فناوری، فقدان بانک اطلاعات اقتصادی و نظام اقتصادی فراهم آورده است.

فقدان تولید اطلاعات اقتصادی برای ایجاد توانایی رقابت در بازار؛ فقدان یا ضعف در حفاظت از اطلاعات اقتصادی برای حفظ و استمرار توان رقابت اقتصادی و فقدان یا نظارت ضعیف بر فرایند برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی از جمله مسائلی است که سازمان‌های حفاظتی با آن روبه‌رو می‌باشند.

از سوی دیگر، فقدان شفافیت یا رانت‌های اطلاعاتی، مسائلی مانند: نابرابری‌های ناحیه‌ای و توسعه نامتوازن، سبب فقر و محرومیت در مناطق حاشیه‌ای شده و قاعده امنیت معکوس در «مرکز- پیرامون» را پدید می‌آورد. مسئله قاعده امنیت معکوس در «مرکز- پیرامون» به غیر از سطح ملی، در سطح استانی نیز مصداق دارد به‌طوری که محروم‌ترین شهرهای استان‌های مرزی، شهرهایی هستند که فاصله آنها از مرکز استان دورتر و به تبع آن ظرفیت

1. Hall Antony.

وقوع ناامنی نیز در این شهرها فراهم تر است. نکته دیگر محرومیت زدایی قطره چکانی یا نبود نگاه فرابخشی و یکنواخت در حوزه توسعه پایدار است و مهار آن مستلزم محرومیت زدایی چند بعدی و رفع فقر اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و آموزشی است و توجه به آن به عنوان یکی از بایسته‌های زیربنایی امنیت ملی محسوب می‌شود (دلاورپور اقدم، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

حال باید پرسید سازمان‌های حفاظتی چه نقشی در توسعه اقتصادی دارند؟ آیا آنها با نظارت بر فضای اقتصادی نیروهای مسلح با هدف شناسایی مفاسد اداری و اقتصادی، قاچاق، جاسوسی اقتصادی و حفاظت از اطلاعات حساس در برابر جاسوسی اقتصادی رقبا، در تحقق اقتصاد مقاومتی و تأمین امنیت برای توسعه سهیم هستند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق: گریز از چنگال سخت توسعه نیافتگی و اطمینان حاصل نمودن از رفاه عمومی می‌تواند ارزش‌های ملی مهمی را برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه دربر داشته باشد، به حدی که نخبگان حاکم، موضوع‌های اقتصادی را به مثابه ملاحظه‌های امنیت ملی قلمداد می‌کنند. شرط لازم برای مقاومت در برابر جنگ اقتصادی یا ایجاد توسعه، این است که نیروهای مسلح در حوزه توسعه و اقتصاد با همدیگر و با سازمان‌های حفاظتی تعامل وسیعی داشته باشند تا ضمن حفاظت از دارایی‌ها و اطلاعات، همه بخش‌های مختلف و مناطق کشور به توسعه پایدار دست یابند.

نقش سازمان‌های حفاظتی در بین جوامع و دولت‌ها برای تأمین امنیت و توسعه اقتصادی از اهمیت چشمگیری برخوردار بوده و همواره توجه به آن در جامعه، موجب تقویت امنیت ملی می‌گردد. امروزه تهدیدهای نرم (اقتصادی) به دلیل کم هزینه‌تر بودن، تأثیر بر عوامل نرم افزارانه حوزه اقتدار ملی، استفاده نکردن از روش‌های خشونت آمیز و... بیش از پیش مورد نظر دشمنان انقلاب اسلامی است. آنچه امروزه برای نیروهای مسلح ما به خصوص سازمان‌های حفاظتی جمهوری اسلامی ایران باید مدنظر قرار گیرد؛ استفاده از قدرت نرم به منظور ایجاد امنیت است. این امر تحقق نمی‌یابد مگر اینکه ما ابتدا به شناسایی امنیت و رابطه آن با توسعه پردازیم و سپس با نگرش به آنها، سعی در شناخت نقش و مأموریت‌های اثربخش این سازمان‌ها در ایجاد و واپایش فرایندهای اقتصادی و توسعه

پایدار نماییم. از طرف دیگر مشارکت کارکنان نیروهای مسلح همراه با رضایتمندی و تکریم آنان توسط سازمان‌های حفاظتی، موجب توسعه امنیت پایدار متکی بر حکومت مردم سالار دینی می‌شود و بسترهای لازم برای توسعه و رفاه را فراهم می‌کند. مجموعه این عوامل نشان دهنده اهمیت موضوع می‌باشد.

نقش اقتصاد در امنیت ملی، حیاتی است و دلیل آن تأثیرهای گسترده آن بر سایر ارزش‌های ملی است. توسعه نیافتگی پایدار و محرومیت از رفاه اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و در نتیجه، چند دستگی داخلی را شدت می‌بخشد. این ضعف داخلی، می‌تواند باعث اقدام‌های خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل شود. همچنین ضرورت تولید ادبیات و مبانی نظری برای نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای اقتصادی که نتیجه گسترش مفهوم امنیت است و نیازمندی به شناسایی نشانگاه آن در اقتصاد و توسعه نیروهای مسلح، از مهم‌ترین ضرورت‌های این تحقیق است.

هدف‌های تحقیق

هدف اصلی: شناسایی نقش سازمان‌های حفاظتی در رصد و واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح.

هدف‌های فرعی

- مفهوم‌شناسی توسعه و امنیت؛
- تبیین رابطه امنیت و توسعه پایدار؛
- شناسایی نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای توسعه اقتصادی.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی: نقش سازمان‌های حفاظتی در رصد و واپایش فرایندهای اقتصادی چیست؟

سؤال‌های فرعی

- مفهوم توسعه و امنیت چیست؟
- چه رابطه‌ای بین امنیت و توسعه پایدار وجود دارد؟
- نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای توسعه اقتصادی چگونه است؟

روش تحقیق: این مقاله با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش «توصیفی-تحلیلی» درصدد بررسی نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای توسعه اقتصادی در نیروهای مسلح می‌باشد.

تعریف‌ها و اصطلاحات

امنیت: امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین دلیل درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. تعریف‌های مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (مندل، ۱۳۷۷: ۴۴).

«ولفرز»^۱ در کتاب امنیت ملی، آورده است: «امنیت در معنای عینی فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص کرده و در معنای ذهنی فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌های معین را نشان می‌دهد» وی معتقد است اگرچه می‌توان امنیت را به نبود تهدید برای ارزش‌های مورد احترام و خواسته شده یک بازیگر تعریف نمود لیکن ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی که هر بازیگری از این تعریف ارائه می‌کند به‌طور قطع، معنا و مفهوم تازه‌ای را رقم می‌زند که با سایر معانی ارائه شده از سوی دیگر بازیگران یکسان نیست (مزدارانی، ۱۳۹۰: ۱۷).

فرایند: فرایند عبارت است از مجموعه‌ای از مراحل، فعالیت‌ها و وظایف هدفمند که با استفاده از زیرساخت‌های لازم و روش‌ها و مکانیسم‌های خاص، یک یا چند ورودی را به یک یا چند خروجی تبدیل می‌کند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۲).

توسعه و توسعه پایدار: توسعه، مفهومی تهدیدزا، پیچیده و مبهم است که رهیافت‌های مختلف، تعریف‌های گوناگونی از آن ارائه داده‌اند (Thomas, 2004).

رهیافت نوسازی، توسعه را با تأکید بر صنعتی شدن و رشد اقتصادی تعریف می‌کند. نظریه پردازان وابستگی با تأکید بر توسعه نیافتگی، توسعه را منوط به قطع روابط با جهان کاپیتالیستی می‌دانند و پست‌مدرن‌ها نیز توسعه و توسعه نیافتگی را بر ساخته‌ای اجتماعی و محصول گفتمان مسلط معرفی می‌کنند (Hickey and Mohan, 2003: 38).

1. Wollfers.

تمام نظریه‌پردازان برآنند که توسعه مفهومی با ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را به یکی از این سه بعد تقلیل داد. بدین ترتیب می‌توان گفت توسعه ایجاد دگرگونی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با هدف فراهم آوردن شرایطی است که در آن افراد بیشتری امکان دستیابی به ظرفیت‌های انسانی خود را داشته باشند. با این حال بُعد اقتصادی توسعه، معمولاً بیش از دیگر ابعاد مورد توجه قرار گرفته و برای بیشتر مردم، توسعه با مفاهیمی اقتصادی مانند: کاهش فقر، افزایش درآمد، صنعتی شدن و رشد اقتصادی همراه است (Kuper and Kuper, 1996: 212).

اصطلاح «توسعه پایدار» به شکل وسیع، پس از گزارش کارگروه جهانی توسعه و محیط زیست با عنوان «آینده مشترک ما» در سال ۱۹۸۷ و اجلاس «ریودوژانیرو برزیل» در سال ۱۹۹۲ مطرح شد (زاهدی و همکار، ۱۳۸۵: ۴۵). توسعه پایدار، توسعه‌ای مستمر، باثبات و همه‌جانبه قلمداد می‌شود که چشم‌اندازی بلندمدت را در نظر دارد و فقط به حال حاضر محدود نمی‌شود؛ به طوری که علاوه بر تأمین نیازهای فعلی، بر حفظ و ارتقای امکانات پیشرفت آینده تأکید دارد؛ تا حدی که امکانات نسل آینده، آسیب جبران‌ناپذیری نبینند و قابل دستیابی باشد. به طور کلی پیشرفت و توسعه پایدار یعنی رشد با ثبات همراه با تغییر و تحول کیفی که ارتقای فراگیر و همه‌جانبه سطح زندگی و رفاه عمومی را به دنبال دارد. پیشرفت و توسعه پایدار را می‌توان فرایندی تدریجی، تکاملی و بلندمدت در نظر گرفت که دربرگیرنده رشد مستمر، از بین بردنده فقر و محرومیت و کاهش نابرابری می‌باشد. پیشرفت و توسعه در محیطی آغاز می‌شود که مردم باورها و رفتارهایشان را تغییر داده، وجدان کاری و نظم اجتماعی را تقویت کرده، روحیه تعلق خاطر به جامعه را ارتقاء و انجام امور را به روش‌های علمی مبتنی سازند (نیکزاد و رنجبر، ۱۳۹۵: ۶۷).

شناخت رابطه بین امنیت و توسعه پایدار

امنیت و توسعه، همواره به عنوان یکی از نیازهای اساسی جوامع انسانی مطرح بوده‌اند و در دوره جدید، وجود و میزان امنیت و انتظام اجتماعی از شاخصه‌های توسعه است و تأمین نظم و امنیت، فی‌نفسه از اهمیت فراوانی برای حیات جوامع برخوردار بوده است و از اصلی‌ترین کارویژه‌های حکومت، تأمین امنیت برای سرزمین و جامعه تحت حاکمیت‌شان، در مقیاس‌های داخلی و خارجی بوده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

در هدف‌های راهبردهای توسعه، اعتقاد به لزوم مشارکت فعال سازمان‌های حفاظتی در ارائه مشاوره برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی مورد تأکید است. شرط لازم برای ایجاد الگوی توسعه این است که این سازمان‌ها با همدیگر تعامل وسیع و وثیقی داشته باشند. «آنتونی هال» و «جمیز میجلی»^۱ در ضرورت مشارکت در جامعه نوین معتقدند که مفهوم مشارکت بخشی از ادبیات بین‌المللی توسعه گردیده است. به نظر این دو، حجم وسیع و در حال گسترش تحقیقات در این مورد نشانگر این حقیقت است که در نزد بسیاری از نظریه‌پردازان، مشارکت به‌عنوان یک نوع باور و پیش‌نیاز هر طرح یا برنامه موفقیت‌آمیز برای بهبود زندگی مردم و توسعه مطرح می‌باشد؛ لذا، امروزه سازمان‌های مختلف بین‌المللی با بینشی جدید نسبت به توسعه و تأکید بر ارزش‌های انسان‌گرایی و خلاقیت گروهی، مشارکت را به‌عنوان نیاز بشر و راهکار اصلی توسعه جوامع، پذیرفته و در برنامه‌های خود به نقش بسیار مهم مشارکت تأکید دارند (هال، ۱۹۸۸: ۹۲-۹۱، به نقل از غفاری). «گولت»^۲ با تحلیل گونه‌های مختلف مشارکت، نتیجه می‌گیرد که انواع مختلف توسعه، نیازمند شکل‌های مختلف مشارکت است. از نظر گولت مشارکت جزء حیاتی راهبردهای توسعه است (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۰۸)؛ بنابراین بین امنیت و توسعه، روابط متقابلی برقرار است به‌طوری که می‌توان گفت در برخی موارد امنیت مقدمه یا پیش‌نیاز توسعه است. امنیت و توسعه را می‌توان حرکتی مداوم و باثبات به‌سوی پیشرفت و گسترش هدف‌های رفاهی نظیر افزایش درآمدها، کاهش فقر، از بین بردن نابرابری‌های ناحیه‌ای و توزیع عادلانه ثروت بین کارکنان نیروهای مسلح تعریف کرد؛ به‌عبارتی، در برنامه‌های توسعه‌ای که از سوی مدیران و برنامه‌ریزان تعریف می‌شود همواره بایستی عدالت توسعه، مورد توجه قرار گیرد و کل نیروهای مسلح در یک نگاه کلان و به‌صورت جامع مورد ارزیابی قرار گیرند و نواحی مختلف کشور با توجه به مزیت‌های نسبی و توانمندی‌های محیطی‌شان (طبیعی- انسانی) به توسعه پایدار و پیشرفت عدالت‌محور دست یابند. از آنجایی که وجود فقر و از طرفی انباشت ثروت، نتیجه توزیع ناعادلانه ثروت‌ها می‌باشد، به‌همین

1. Midgley Jimes.

1. Goulet.

سبب توزیع درآمدها و تخصیص منابع بین افراد نیروهای مسلح یکی از مسائل اساسی در هر نظام اقتصادی است. در این صورت، نظام مبتنی بر توزیع صحیح، نظامی است که بتواند این منابع را به گونه‌ای در بین آحاد کارکنان خود تخصیص دهد که امکان تضييع حقوق عده‌ای توسط دیگران نباشد.

باید توجه داشت، علاوه بر توزیع عادلانه امکانات و منابع، می‌توان به توزیع عادلانه فرصت‌ها، اعتبارات و امکانات عمومی نیز اشاره کرد. به‌عنوان مثال: فراهم نمودن شرایطی که در آن اقشار مختلف نیروهای مسلح بتوانند از امکانات مناسب آموزشی، بهداشتی، خدمات، رفاه و غیره برخوردار باشند تا بتوانند به مشاغل بهتر و فرصت‌های برابر دسترسی پیدا نمایند. اینکه در جامعه‌ای برای عده‌ای «رانت» یا موقعیت برتر فراهم می‌گردد، ریشه در توزیع ناعادلانه فرصت‌ها، اطلاعات و اعتبارات دارد (قاسمی و همکار، ۱۳۸۹: ۲۱۶) و این به معنی از دست دادن سرمایه اجتماعی به‌خصوص اعتماد کارکنان نیروهای مسلح به مسئولان و فرماندهان است.

نقش سازمان‌های حفاظتی در فرایند سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی

طبق تعریف، سازمان‌های حفاظتی، دستگاه‌هایی هستند که کارکرد اساسی آنها تولید اطلاعات به مفهوم نوع خاصی از تصمیم‌شناخت و آگاهی برای استفاده تصمیم‌گیران می‌باشد. از این‌رو تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری از جمله ویژگی‌های هستی‌شناختی این نهادها به‌شمار می‌رود. سازمان‌های حفاظتی سه نقش اساسی در فرایند سیاست‌گذاری دارند که عبارتند از: نقش شناختی، نقش نظارتی و نقش اجرایی (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۷). منظور از نقش شناختی، تولید شناخت و آگاهی مورد نیاز تصمیم‌گیران سیاست در فرایند سیاست‌گذاری است. نقش نظارتی به دنبال نظارت بر فرایند سیاست‌گذاری، مدیریت توسعه و پیامدهای آن از لحاظ حسن اجرای امور توسط کارگزاران درگیر در سیاست‌گذاری و بررسی بازخوردهای سیاست‌ها و اطلاع‌رسانی آن به سیاست‌گذاران است. نقش اجرایی نیز به‌حضور مستقیم سازمان‌های حفاظتی در اجرایی شدن تصمیم‌های خاص برنامه‌ریزی اقتصادی در نیروهای مسلح مربوط می‌شود.

منظور از برنامه‌ریزی اقتصادی، فرایندی است که طی آن به‌صورت آگاهانه و ارادی به‌منظور حصول به هدف‌های مشخص اقتصادی، تصمیم‌گیری می‌شود (موسوی جهرمی، ۱۳۸۸: ۲۶۴). همان‌طور که این تعریف تصریح می‌کند، تصمیم‌گیری به‌عنوان قلب فرایند سیاست‌گذاری، محور اساسی برنامه‌ریزی اقتصادی است و از همین‌رو می‌توان آن را همان سیاست‌گذاری اقتصادی توسط دولت به‌شمار آورد. منظور از مدیریت توسعه، نیز چگونگی طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های توسعه است (Forsyth, 2005: 151). با توجه به آنکه مدیریت توسعه در واقع همان سیاست‌گذاری توسعه است، می‌توان انتظار داشت که نقش‌های سه‌گانه اطلاعات در سیاست‌گذاری مدیریت توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی نیز مؤثر می‌باشد. به‌طور عمده اطلاعات اقتصادی که توسط سازمان‌های حفاظتی جمع‌آوری می‌شود در بُعد داخلی و خارجی می‌تواند ضمن ارائه مشاوره‌های شناختی و حمایتی به کارکردهای زیر بینجامد:

- نقاط ضعف کشور هدف را تعیین می‌کند و اهمیت امنیتی آن را در شرایط معین مشخص می‌سازد؛
- اهمیت اقتصاد ملی کشور هدف را با توجه به نیروی دفاعی و نوع سیاست خارجی آن روشن می‌سازد؛
- تأثیر احتمالی اقدام‌های مختلف (تحریم، خرابکاری در مراکز اقتصادی، اعتصاب‌ها صنفی و نظایر آن) را در امور اقتصادی نظام هدف و نیروی دفاعی آن ارزیابی می‌کند؛
- توانایی کشور هدف را در رویارویی با وضعیت‌های بحرانی اقتصادی ارزیابی می‌کند؛
- نیازهای فناورانه نیروهای مسلح را با جمع‌آوری اطلاعات به‌منظور افزایش توان رقابت اقتصادی تأمین می‌نماید؛
- از اطلاعات اقتصادی و فناوری‌های حساس کشور حفاظت می‌کند.

شایان ذکر است دخالت سازمان‌های حفاظتی در اقتصاد و واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح، باید با وضع قوانین دقیق و شفاف مشخص شود تا از سوءاستفاده و رانت اقتصادی توسط این نهادها و وابستگان آنان و مداخله‌های غیرقانونی جلوگیری شود. وضع

این قوانین، تضمین‌کننده این واقعیت خواهد بود که این سازمان‌ها که وظیفه نظارت و واپایش بر اجرای قوانین و شفافیت محیط اقتصادی را برعهده دارند، خود تبدیل به موانع اقتصادی و دیکتاتورهای عرصه اقتصاد نمی‌شوند. سازمان‌های حفاظتی با جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی از نظام اقتصادی نیروهای مسلح و در عین حال روندهای اقتصادی کشوری و منطقه‌ای، می‌توانند تفکرهای سیاستگذاران اقتصادی را فراتر از مسائل جاری برده و برداشت آنان را به سمت برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در نیروهای مسلح سوق دهند.

نقش سازمان‌های حفاظتی در واپایش فرایندهای اقتصادی و بسترسازی اقتصاد مقاومتی

نظارت بر فضای اقتصادی و مقابله با فساد برای تضمین امنیت اقتصادی: همواره گفته می‌شود که ایجاد زیرساخت‌های مناسب مانند قوانین واضح و مدون، امنیت سرمایه‌گذاری، نبود فساد اداری، مالی و... از عوامل موفقیت اقتصادی یک کشور به‌شمار می‌رود. در واقع اقتصاد مقاومتی، اقتصادی پاک‌دست است. در اساس، رابطه میان فساد اداری و مالی با پیشرفت اقتصادی، رابطه‌ای ویژه است. سطح و میزان فساد در یک سازمان، روند توسعه اقتصادی را تحت تأثیر منفی قرار خواهد داد.

رشوه‌خواری، رانت‌خواری، اختلاس و... از جمله مواردی است که مانع تحقق الزام‌های اقتصاد مقاومتی (مانند مردمی‌شدن) می‌شود و مقاومت نظام اقتصادی را در برابر فشارها کاهش می‌دهد. مبارزه با چنین مفاسدی ضمن بالا بردن مشروعیت و مقبولیت سازمان‌های حفاظتی، شفافیت فضای اقتصادی نیروهای مسلح را بالا برده و حس امنیت اقتصادی آن را نزد سرمایه‌گذاران افزایش می‌دهد. سازمان‌های حفاظتی می‌توانند در شکل‌گیری چنین فضایی نقش عمده‌ای ایفا کنند. به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، به دلیل شکل‌نگرفتن سازمان‌های نظارتی قوی و توانمند یا جوان بودن آنها، نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، در صورت مدیریت صحیح می‌توانند تبدیل به عواملی برای هدایت مطلوب فرایند توسعه در این کشورها شوند. از طرف دیگر، به علت پیچیدگی و شبکه‌ای بودن تهدیدهای اقتصادی در دنیای امروز مانند: باندهای فساد و پول‌شویی بین‌المللی، باندهای قاچاق ارز، مواد مخدر و... دیگر سازمان‌های نظارتی مانند پلیس یا بخش‌های قضایی به تنهایی از

توانایی لازم برای شناسایی این تهدیدها برخوردار نیستند؛ بنابراین شناخت و مقابله با این تهدیدها و فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح نیز نیازمند همکاری و دخالت سازمان‌های حفاظتی است. شناسایی این تهدیدها به تخصص‌ها و امکانات خاصی نیاز دارد که فقط در اختیار سازمان‌های حفاظتی و اطلاعاتی است؛ بنابراین این سازمان‌ها باید از امکانات خود در راستای نظارت و ممانعت از بروز این پدیده‌ها استفاده کنند (پایگاه بصیرت).

نظارت بر جریان سرمایه: نوع دیگری از کارکردهای نظارتی و واپایشی سازمان‌های حفاظتی که در ثبات اقتصادی نیروهای مسلح تأثیر به‌سزایی دارد، نظارت بر جریان سرمایه در کشور و نیروهای مسلح است. سازمان‌های اطلاعاتی می‌توانند با ارزیابی‌های دقیق از وضعیت اقتصاد جهانی، منطقه‌ای و کشوری در مدیریت جذب این سرمایه‌ها و شرایط صدور مجوز جذب دخالت کنند. در بسیاری از موارد، ممکن است هویت واقعی و هدف اصلی سرمایه‌گذار مبهم باشد؛ بنابراین نهادهای اطلاعاتی می‌توانند با شناسایی سرمایه‌گذاران (به‌ویژه اگر سرمایه‌گذاری آنان از حجم بالایی برخوردار باشد) از احتمال توطئه‌های اقتصادی برای بی‌ثبات کردن کشور بکاهند. برای مثال: تصور کنید که یکی از مخالفان دولت بنگلادش، به میزان یک میلیارد دلار سرمایه خارجی را وارد اقتصاد بنگلادش کند و پس از سه ماه آن را بیرون بکشد. پیامدهای چنین اقدامی برای اقتصادهای نوپای کشورهای در حال توسعه که از یک طرف، نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی‌اند و به‌همین دلیل نمی‌توانند قوانین سختگیرانه در این مورد وضع کنند و از طرف دیگر، اقتصاد آنها ظرفیت تحمل چنین شوک‌هایی را ندارد، بسیار عظیم خواهد بود. سازمان‌های حفاظتی با تحقیق در خصوص سرمایه‌گذاران خارجی می‌توانند تا حدی از وقوع چنین بحران‌هایی جلوگیری کنند (پایگاه بصیرت).

جریان سریع پول کثیف به فعالیت‌های قانونی و مشروع ممکن است به معضلی جدی تبدیل شود؛ زیرا با این پول می‌توان بزرگ‌ترین بنگاه‌های مالی و کسب و کار کشورها را صاحب شد که خود مغایر منافع امنیت ملی کشورها محسوب می‌شود. به قول یکی از رؤسای سازمان‌های اطلاعاتی اروپا «یک روز صبح از خواب بیدار می‌شوید و دیگر

نمی‌دانید که صنعت حمل و نقل کشور به دست چه کسی افتاده است؛ قبلاً هیچ‌گاه لازم نبود نگران این جور چیزها باشیم» در ایالات متحده، وظیفه مراقبت از تلاش‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری یا خرید املاک در امریکا و دیگر سرمایه‌گذاری‌ها به سازمان‌های اطلاعاتی محول شده است. این مسئولیت که در امریکا با نام «بررسی تملک خارجی» شناخته می‌شود، مستلزم آن است که سازمان‌های اطلاعاتی امریکا، اطلاعات لازم در مورد سرمایه‌گذاران خارجی را برای کمیته سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایالات متحده که کمیته‌ای بین‌سازمانی با عضویت وزارت بازرگانی به عنوان عضو اصلی است، فراهم کنند (همان).

نظارت بر تعهدها و قراردادهای اقتصادی: سازمان‌های حفاظتی می‌توانند با نظارت بر تعهدها و قراردادهای اقتصادی میان نیروهای مسلح (شرکت‌ها، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، بنیاد تعاون) با شرکت‌ها و طرف‌های داخلی و واپایش فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور، ضمن فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای مبارزه با فساد اقتصادی داخلی، از احتمال فریب در قراردادهای اقتصادی با شرکت‌ها و دولت‌های خارجی جلوگیری کنند. یکی دیگر از نکته‌های بسیار مهم در خصوص نظارت بر قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری میان نیروهای مسلح (شرکت‌ها، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، بنیاد تعاون) با کنشگران اقتصادی خارجی مربوط به اخبار و اطلاعاتی است که دولت برای جلب نظر سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی در اختیار آنها قرار می‌دهد. از آنجا که کشورهای در حال توسعه برای پیشبرد پروژه‌های اقتصادی خود نیازمند سرمایه و توانایی فناورانه طرف‌های خارجی هستند، مجبورند برای ایجاد اطمینان نزد طرف خارجی، اطلاعات و اخبار مختلف کشور را در اختیار آنان قرار دهند. سازمان‌های اطلاعاتی حریف ممکن است از این حربه استفاده کرده و با طراحی قراردادهای صوری به اطلاعات مورد نیاز خود، بدون مانع اساسی، دسترسی پیدا کنند. در چنین شرایطی سازمان‌های حفاظتی کشورهای در حال توسعه می‌توانند با بررسی و ارزیابی اولیه طرف‌های خارجی و حضور در فرایندهای عقد قرارداد، از بروز مشکلات جلوگیری کنند (همان).

تجزیه و تحلیل

سازمان‌های حفاظتی از دیدگاه‌های گوناگون دارای اهمیت بوده و به همین نسبت دارای کاربرد هستند؛ تا جایی که زمینه‌های مختلف زندگی بشر، امروزه دستخوش دخالت‌ها و تحریک‌های اطلاعاتی است. در زیر چند نمونه از مهم‌ترین عرصه‌های حضور سازمان‌های اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد (علوی فر، ۱۳۸۲: ۱۹).

هر اندازه که قدرت نظامی و سیاسی یک کشور، بزرگ و قوی باشد بدون هماهنگی با قدرت مناسب اقتصادی در درازمدت قابل دوام نیست. بر این اساس سازمان‌های اطلاعاتی مهاجم سعی می‌کنند با طرح‌های وسیع مخفی بر دارایی و اقتصاد کشور هدف لطمه زده و پیشرفت و توسعه اقتصادی او را عقب نگه دارند. در این صورت مردم آن کشور ناراضی و پشتیبانی خود را از حکومت مرکزی دریغ نموده و در بلندمدت قدرت سیاسی در معرض خطر قرار می‌گیرد که به تبع آن، نیروی مسلح کشور رو به تحلیل می‌رود.

تحقق امنیت در نیروهای مسلح نیازمند سازمان‌های حفاظتی مقتدر است و کارا بودن یک سازمان در گرو وجود پیوند و هماهنگی مناسب بین مأموریت‌ها و عملکرد آن سازمان است که تأمین‌کننده اقتدار سازمان می‌باشد. به عبارت دیگر به میزانی که کارگزاران یا نیروی سازمانی یک سازمان، موفق به ارائه عملکرد بیشتر و کارا تر در حوزه وظایف و مأموریت‌های خود می‌شوند، بر ذخیره سرمایه اجتماعی خود که صورتی سازمانی و نهادی دارد، می‌افزاید و بدین ترتیب سازمان هم، در درون، برخوردار از رضایت سازمانی مطلوب شده و هم اینکه در نزد دیگر سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منزلت و جایگاهی مطلوب‌تر پیدا کرده که تقویت وجه بیرونی، اقتدار سازمانی را در پی دارد. رضایت درونی و اقتدار بیرونی سازمان‌های اطلاعاتی، دارای یک ارتباط متعامل است و تقویت‌کننده یکدیگر می‌باشند (غفاری، ۱۳۹۰: ۲۵). قدرت سازمان‌های حفاظتی ناشی از حمایت و تأیید کارکنان نیروهای مسلح و نیز توانایی عاملان این سازمان در جلب و حفظ اعتماد کارکنان به این سازمان‌ها است که منوط بر عواملی چون حرفه‌ای بودن، عمومی بودن و بهره‌مند از سرمایه اجتماعی بودن است.

سازمان‌های حفاظتی با برقراری تعامل و ارتباط مطلوب و شناسایی نشانگاه‌ها و مراکز رانت و فساد (اقتصادی، امنیتی، سیاسی، اجتماعی و...) امنیت ملی و نیروهای مسلح را که همواره در مسیر رشد و تحول هستند؛ توسعه می‌دهند و برای اساسی‌ترین عوامل این تحول، یعنی نیروهای مسلح پر قدرت، اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شوند و نقش خود را در توسعه اقتصادی ایفا می‌نمایند.

نمونه دیگری از نقش سازمان‌های حفاظتی در امر اقتصاد، شناسایی و نظارت بر حوزه‌های نیاز یا وابسته کردن صرف (نیروهای مسلح) کشورهای هدف به اقتصاد کشور خویش است. این امر ممکن است از طریق اهدای کمک‌های بلاعوض (ظاهراً) در مورد خاص (به‌عنوان مثال: نظامی) به انجام برسد. کشورهایی مانند ترکیه، فیلیپین، پاکستان و مصر از این جمله‌اند. نکته جالب این است که این کشورها علی‌رغم دریافت ظاهری مبالغ متنابهی کمک مالی، سال بعد نیاز بیشتری به این کمک‌ها خواهند داشت و از اعلام درخواست خود مبنی بر کمک بیشتر نیز ابایی نداشته و بدین ترتیب قدرت سیاسی خود را برای تجاوزگر به زیر سؤال می‌برند.

استفاده از سازمان‌های حفاظتی در امور اقتصادی، جهت دیگری هم دارد؛ بدین معنا که این سازمان‌ها با طرح‌ریزی‌های گوناگون، سعی در یافتن منابع اقتصادی کشورهای دیگر نموده و سپس با حيله‌ها، نیرنگ‌ها و خرید افراد با نفوذ، اقدام به سرقت اطلاعات، چپاول ثروت ملی آن کشورها و انتقال آن به کشور خود می‌نمایند. همچنین این سازمان‌ها می‌توانند با نظارت بر تعهدها و قراردادهای اقتصادی میان شرکت‌ها و دولت‌های خارجی با طرف‌های داخلی و واپایش فعالیت‌های اقتصادی در داخل کشور، ضمن فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای مبارزه با فساد اقتصادی داخلی، از احتمال فریب در قراردادهای اقتصادی جلوگیری کنند.

یکی از جالب توجه‌ترین جنبه‌های قدرت در ارتباط با جریان‌های فزاینده اطلاعات، به انبوه تناقض آمیز آن مربوط می‌شود. حجم بالای اطلاعات، سبب کاهش توجه می‌شود؛ چرا که متمرکز شدن روی اطلاعات موجود را مشکل می‌کند. در این حال، مشکل کمبود

توجه، جای کمبود اطلاعات را می‌گیرد و آنهایی که قادر باشند نشانه‌های ارزشمند را از نشانه‌های بی‌ارزش تشخیص دهند؛ قدرت پیدا می‌کنند. در این میان، نیاز بیشتری به ویرایشگران اطلاعات و کارشناسان و صافی‌های سازمان‌های حفاظتی پیدا می‌شود و همین مسئله، منبعی از قدرت برای آنهایی است که بتوانند به ما بگویند به کدام نقطه از این حجم انبوه اطلاعات، توجه کنیم. «بنا به گفته رابرت گیتس؛ رئیس وقت سیا، بررسی نیازهای اطلاعاتی اواسط سال ۱۹۹۲ در ۲۰ بخش سیاستگذاری توسط شورای امنیت ملی به عمل آمد، نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از آنچه این سازمان‌ها از سیا می‌خواهند، اطلاعاتی در مورد پدیده‌هایی است که دارای ماهیت اقتصادی هستند» البته این رویکرد هرچند با صبغه تدافعی معرفی می‌شود ولی اکنون به‌عنوان یک عامل تهاجمی گسترده علیه دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. حوزه‌های تأثیرگذار سازمان‌های حفاظتی بر مسائل اقتصادی یکی از پر دامنه‌ترین مباحثی است که امروزه سرویس‌های اطلاعاتی به‌خصوص جهان اول و پیشرفته به آن اهتمام کرده و از ثمره‌های بی‌بدیل آن بهره‌مند شده‌اند. قدر مسلم سازمان‌های حفاظتی جمهوری اسلامی ایران همانند گذشته بایستی با هماهنگی کامل با راهبردهای اقتصادی، نقش خود را در واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح به‌خوبی ایفا نمایند.

با عنایت به موارد پیش‌گفته در مجموع، کارکردهای شناختی، حمایتی، نظارتی و واپایشی سازمان‌های حفاظتی برای تضمین امنیت و واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- نظارت بر فضای اقتصادی و مقابله با فساد برای تضمین امنیت اقتصادی؛
- نظارت بر جریان سرمایه؛
- نظارت بر تعهدها و قراردادهای اقتصادی؛
- شناخت نقاط ضعف کشور هدف و اهمیت امنیتی آن؛
- اهمیت به اقتصاد ملی (مقاومتی) در تأمین نیازهای راهبردی و برنامه‌های دفاعی؛
- ارزیابی و شناخت تأثیر احتمالی اقدام‌های مختلف (تحریم، خرابکاری در مراکز اقتصادی، اعتصاب‌های صنفی و نظایر آن) در امور اقتصادی نظام هدف و نیروی دفاعی؛

- تأمین نیازهای فناورانه نیروهای مسلح با جمع‌آوری اطلاعات به‌منظور افزایش توان رقابت اقتصاد مقاومتی؛
- واپایش و حفاظت از اطلاعات اقتصادی و فناوری‌های حساس کشور؛
- ارائه مشاوره‌های حمایتی امنیتی برای مجریان و تصمیم‌گیران توسعه در سیاستگذاری‌های توسعه اقتصادی.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

از منظر سیاستگذارانه، اطلاعات اقتصادی به‌هنگام و مناسب، عاملی مؤثر در مدیریت کارآمد اقتصادی است؛ بنابراین، قرارگرفتن هدف‌های اقتصادی در دستورکار سازمان‌های حفاظتی می‌تواند منجر به افزایش خردگرایی سیاستگذاری‌های اقتصادی شود. سازمان‌های اطلاعاتی باید تمامی توانایی‌ها از جمله: توانایی ذهنی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فناورانه یک دولت را تجهیز نمایند تا این مشارکت نهادینه شود و در غیر این صورت این فرایند باعث تشدید تعارض خواهد شد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۱-۴۲).

سازمان‌های حفاظتی با استفاده از مؤلفه‌های توسعه که از مهم‌ترین شاخص‌های آن مشارکت است، می‌توانند به رشد و توسعه اقتصادی نیروهای مسلح کمک نمایند. از جمله این موارد عبارتند از:

- توسعه و گسترش مشارکت واقعی مردم (کارکنان) در فرایندهای اقتصادی؛
 - توانایی‌های سازمان‌های حفاظتی در ارتباط دادن ارزش‌ها به عملکردهای اقتصادی، اداری و... نیروهای مسلح؛
 - درک رابطه میان اطلاعات و قدرت اقتصادی در سیاست‌های توسعه، زمانی سودمند خواهد بود که ابعاد متفاوت اطلاعات را که برخی اوقات با یکدیگر جمع می‌شوند، از هم جدا کنیم. سازمان‌های حفاظتی می‌توانند با توجه به ابعاد زیر به نقش‌آفرینی در توسعه پایدار و واپایش فرایندهای اقتصادی بپردازند:
- بعد اول به جریان‌های اطلاعات مربوط می‌شود. هزینه متوسط دسترسی به این گونه اطلاعات کاهش یافته و نقاطی که به این اطلاعات دسترسی پیدا کرده‌اند نیز، افزایش یافته

است. این روند نزولی هزینه‌ها و افزایش نقاطی که به اطلاعات دسترسی دارند؛ به نگاه‌های اقتصادی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری و بازیگران غیردولتی کمک کرده است. از سوی دیگر، می‌توان گفت گستردگی جریان‌های اطلاعاتی سبب می‌شود توانایی‌های سازمان‌های حفاظتی، ویراشگران و هماهنگ‌کنندگان اطلاعات، اهمیت بیشتری یابد که این مسئله مزیتی برای کشورهای بزرگ و قدرتمند به حساب می‌آید؛

- بعد دوم، اطلاعاتی است که در شرایط رقابتی به‌عنوان یک مزیت به‌کار گرفته می‌شود. این‌گونه اطلاعات رقابتی، اغلب به تفاوت‌های اندک دو رقیب مربوط می‌شوند. بخش عمده اطلاعات رقابتی، به حوزه تجارت مربوط می‌شود؛ اما در عین حال اثر اطلاعات بر قدرت اقتصادی را نیز می‌توان به‌عنوان حوزه‌ای از اطلاعات رقابتی در نظر گرفت؛
- بعد سوم، اطلاعات راهبردی است که می‌توان آن را با عنوان اطلاعات موجود در برنامه بازی رقیب، معرفی کرد. امروزه فناوری‌های تجاری و تحقیقات قابل ارائه در بازار، توانایی‌های فنی ویژه‌ای ارائه می‌کنند که در گذشته تنها با هزینه سرمایه‌گذاری‌های فراوان، قابل دستیابی بود. بدین ترتیب می‌توان نوعی اثر یکسان‌ساز، با توجه به ارائه این توانایی‌ها در نظر گرفت. با این حال باید توجه داشت سرمایه‌گذاری‌های گسترده در زمینه جمع‌آوری اطلاعات، سبب تولید میزان بیشتر و بهتر اطلاعات راهبردی می‌شود و کشورهای بزرگ و قدرتمند از چنین مزیتی برخوردار می‌شوند.

علاوه بر موارد بالا، موارد دیگری از نقش سازمان‌های حفاظتی و اطلاعاتی در واپایش فرایند اقتصادی و توسعه پایدار وجود دارد که می‌تواند در محورهای زیر ارائه کرد:

- **رفع فقر فناوری:** دولت‌ها تمایل دارند خلأ موجود در فناوری اقتصادی خود را با اتکا به جمع‌آوری اطلاعات از تجربه‌های دیگر کشورها رفع کنند و فاصله خود را با کشورهای قدرتمند کاهش دهند «قرن ۲۱، قرن جنگ‌های اطلاعاتی و افزایش جاسوسی اقتصادی و امور مالی خواهد بود. هرگونه دانش و اطلاعات راهبردی برای قدرت و سلطه بیشتر تبدیل خواهد شد. هرگونه مسابقه اطلاعاتی نه فقط به انگیزه رهبری بلکه برای جلوگیری از عقب‌افتادگی اطلاعاتی صورت خواهد گرفت. این اطلاعات است که چرخ قرن ۲۱ را به گردش درمی‌آورد»؛

- ایجاد بانک اطلاعاتی اقتصادی: بانک‌های اطلاعاتی اقتصادی که به وسیله دولت‌ها و مؤسسه‌های تجاری و اقتصادی تشکیل می‌شوند در انتقال و نگهداری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به کار می‌روند، در نتیجه کمک زیادی به کارشناسان بررسی سازمان‌های حفاظتی می‌کنند و می‌توانند با کم کردن جمع‌آوری‌ها، هم بر سرعت کار بیفزایند و هم در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند؛
 - اشراف بر نقاط ضعف حریف: با شناسایی فساد اقتصادی رهبران یک کشور و دیگر معضلات اقتصادی، می‌توان عملیات روانی گسترده‌ای در راستای تضعیف نظام سیاسی کشور هدف راه انداخت؛
 - کارشکنی در قراردادهای تجاری: چنانچه سازمان‌های حفاظتی از یک قرارداد تجاری که نتیجه آن تقویت دیگر رقبای اقتصادی‌اش باشد آگاه شوند با اعمال کارشکنی برای عدم تحقق آن تلاش خواهند کرد.
- با عنایت به موارد گفته شده، موارد زیر برای سازمان‌های حفاظتی به منظور واپایش فرایندهای اقتصادی نیروهای مسلح و توسعه پایدار پیشنهاد می‌شود:
- اهتمام به مدیریت متنوع، منعطف، پویا، شبکه‌ای، چندبخشی، مشارکت‌گرا، کارآمد، برنامه‌ریز، خلاق و با ثبات رأی؛
 - توجه ویژه به حضور مردم (کارکنان) در عرصه‌های اقتصادی و افزایش سهم نیروها در فرایندهای اقتصادی؛
 - توسعه نظم و امنیت عمومی، پیشگیری و مقابله مؤثر با جرایم و مفسدات اقتصادی؛
 - اهتمام به قانون‌گرایی، روحیه کار و تلاش و خوداتکایی، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر در جامعه، به‌ویژه در سطوح مسئولان و فرماندهان؛
 - اصلاح نظام اداری در راستای افزایش کارایی و تحرک، بهبود خدمت‌رسانی، تأمین معیشت و کرامت کارکنان، به‌کارگیری مدیران لایق و امین و تأمین امنیت شغلی آنان؛
 - تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی، واپایش و نظارت به‌منظور پیشگیری از فساد اداری؛
 - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای با نظارت بر سیاست‌های توسعه؛
 - توجه به توسعه متکی بر منابع داخلی (اقتصاد مقاومتی).

منابع و مأخذ

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «قدرت نرم: فرهنگ و امنیت»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت اطلاعات.
- پایگاه بصیرت.
- دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۹)، «امنیت نرم و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رحمان‌زاده، محمد (۱۳۸۲)، «سازمان فرایندگرا و پارادایم‌های سازمانی»، دفتر مطالعاتی انتشارات اجتماع.
- روزبهبانی، محمود (۱۳۷۱)، «مبانی توسعه اقتصادی»، تهران: انتشارات روزبهبان.
- زاهدی، شمس‌السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵)، «بسط مفهومی توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴.
- غفاری، غلامرضا و همکارش (۱۳۸۶)، «جامعه‌شناسی مشارکت»، نشر نزدیک.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، «سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی»، نشر جامعه‌شناسان.
- قاسمی، علی و میرزایی، روح‌اله (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی الگوهای اقتصاد عدالت‌محور در پارادایم‌های غربی»، پژوهشنامه علوم راهبردی، مجله تحقیقاتی و پژوهشی دانشگاه عالی دفاع ملی، سال یازدهم، شماره ۱۱۰.
- مزدارانی، هادی (۱۳۹۰)، «بررسی تهدیدهای امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی»، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- مندل، رابرت (۱۳۷۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۸)، «توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی»، تهران: انتشارات پیام نور.
- مؤمنی، هوشنگ (۱۳۷۹)، «مدیریت منابع اطلاعات».
- میرمحمدی، مهدی و محمدی‌لر، عبدالمحمود (۱۳۸۷)، «سیاست و اطلاعات» (مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا)، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰)، «نقش سازمان‌های اطلاعاتی در سیاست خارجی: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی آمریکا»، تهران: انتشارات ابرار.

نیکزاد، اسحاق و حسین رنجبر (۱۳۹۵)، «لزوم توجه به سازمان‌های اطلاعات»، تهران، سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما؛ «اطلاعاتی به نقش سرمایه اجتماعی بر ارتقای عدالت و دانش در جامعه (با رویکرد پیشرفت و توسعه پایدار)»، همایش ملی وزارت اطلاعات و مردم.

Forsyth, Tim, ed. (2005); *Encyclopedia of International Development*, London: Routledge

Hickey, s., Mohan, G. (2003); *Relocating Participation within a Radical Politics of Development: Citizenship and Critical Modernism*. Draft Working Paper prepared for Conference on 'Participation: from Tyranny to transformation? Exploring new approaches to participation in development', 27-28 February 2003, university of Manchester, Manchester.

Kuper, Adam, Kuper, Jessica, ed., (1996); *The Social Science encyclopedia*, London: Routledge.

Thomas, a. (2004); "The Study of Development". Paper Prepared for DSA Annual Conference, 6 November, Church House, London.